

دولت و ولگردان

این روزها همه شما خواننده و شنیده‌اید که دولت تصمیم قطعی دارد موضوع ولگردی را ریشه‌کن کند و بر این اساس سازمانهای انتظامی و قضائی مملکت تجهیز شده‌اند. آنها که دست‌درکار ولگردی و ولگردان دارند و از این طریق بصورت مستقیم و غیرمستقیم زندگی خود را تأمین کرده و روزگار میگذرانند کم‌وبیش از اینکه در کار و کاسبی خود با مشکلاتی روبرو شده‌اند و لاقلاً برای مدتی محدود به بازار بحرانی بر خورده‌اند سخت ناراضی و معترضند.

میگویند مأموران انتظامی این بار مسأله مبارزه با این فساد اجتماعی را خیلی جدی تلقی کرده و راه و نیمراه در شهر و اطراف نه فقط اماکن فساد را تحت نظر و کنترل دارند بلکه وسائط نقلیه شخصی را هم از نظر تیزبین خود دور نمایند و اغلب از سر نشینان تقاضای برگه هویت میکنند تا خدای ناکرده زن هرزه با مرد هرزه‌تری دور از چشم آنها در گوشه‌ای خلوت از اتومبیل خود استفاده نامشروع نکنند.

در حقیقت چنین مبارزه وسیع علیه ولگردی لازم است ولی کافی نیست، کافی نیست زیرا از راه توسل بچنین اقدامات شدید ظاهری هرگز خطری متوجه ریشه‌ها و عوامل اصلی فساد را نخواهد شد.

این را دیگر امروز هر بچه دبستانی هم میدانند که مفاسد اجتماعی فقط انعکاسی است کاملاً منطقی از عقب‌ماندگیهای بنیانی هر اجتماع. یعنی مفاسد اجتماعی ماهیت اقتصادی و فرهنگی دارند، شما با هر ولگردی که بسر خورد کنید و زندگی او را از دوران کودکی تا زمان آلودگی بررسی نمائید متوجه خواهید شد که آن بخت‌برگشته یا بعلل اقتصادی و یا بعلل ضعف در معرفت انسانی و جهالت و بیسوادی به این کوره راه زندگی لغزیده است.

او هرگز گناهکار نیست اوسیه روزی است که قربانی شرایط نامساعد و عقب افتادگیهای جامعه خود شده است و اینک باید همه بامصائبی را که مسبب اصلی اش انبوهه است تحمل کند، رنج او بآن اندازه عمیق و زندگی‌ش تا بحدی

تاریک است که قدرت و شهامت اتخاذ هر گونه تصمیم را برای فرار از بن بست و حشمتناک زندگی از دست داده است. او محکوم میشود و نابود میگردد بخاطر جرمی که محققاً مجرم اصلی اش اجتماع است اجتماعی که چنین فرد مفلوك و منحرفی را میسازد.

قصد و منظور نهائی ما دفاع بی بندوبار از ولگردان نیست ولی شما انصاف میدهید که محکومیت یکطرفه آنها هم نه فقط از عدالت بدور است بلکه ظلمی که بر خود و جامعه روا میداریم، و لنگردی و مفاسدی که بدنبال آن میآیند چیزی نیست که از راه تعقیب و مجازات افراد ولگرد و منحرف ریشه کن شود وقتی کارخانه و لنگردساز وجود داشته باشد شما اگر تمام زندانها را هم از ولگردان پر کنید باز آن کارخانه، نیروی تازه نفس را بمیدان میفرستد پس برای اینکه مبارزه و اقدامات شما به نتیجه مطلوب برسد آن کارخانه را از پی بردارید، فرهنگ را اصلاح کنید، بروابط اجتماعی با دید علمی بنگرید، و بجای ساختن ماشین غول آسای اقتصادی که در جای خود کمال ضرورت را دارد به رابطه اقتصادی جامعه توجه بیشتر کنید، نمونه اصالت این طرز فکر همین جنبش عظیم اقتصادی و فرهنگی ما در سالهای اخیر یعنی سالهای انقلاب است؛ فساد جامعه ما معلول آن ظلم های اقتصادی و آن جهالت و بیسوادی و حشمتناک بود امروز ما برای رفع آن مظالم و آن بی فرهنگی گامهای بلندی برداشته ایم اما هنوز برای رسیدن بمقصود و هدف انسانی خود راه درازی در پیش داریم، هنوز روابط اقتصادی ما از خانواده گرفته تا اجتماع مظهر و نمایان گر حاکمیت اقتصادی کاملاً مترقی و حساب شده نیست. هنوز سیستم آموزش ما بصورتی نیست که پاسخگوی کلیه احتیاجات جامعه رشد پذیر ما باشد.

آنچه که بخصوص در امر آموزش اهمیت خاص دارد انطباق کامل سیستم آموزشی با خصوصیات روانی و تمایلات مادی و معنوی افراد جامعه میباشد زیرا در غیر اینصورت افراد جامعه بهره لازم و مفید را از سازمان آموزش نخواهند برد و این خود مقدمه بسیار مساعدی است برای هر گونه انحراف، انحرافات سیاسی، انحرافات اخلاقی و انحرافات مادی. یک مطلب دیگر که توجه بان در این مقال کاملاً ضروری بنظر میرسد اینستکه هر جامعه ای در دوره انتقال از یک مرحله بمرحله دیگر ولو آنکه مرحله جدید نمایشی از

درجات تکامل باشد باز بناچار با يك سری مشکلات و معضلات پیش‌بینی شده و پیش‌بینی نشده مواجه خواهد بود بهمین مناسبت دوره انتقال را به گذرگاه برزخ در سیر تکامل يك جامعه نیز میتوان تشبیه کرده در این حالت معمولاً يك تحول فکری ایجاد میشود که از هر جهت تحت تأثیر مکانیزم نوین اجتماع قرار دارد ، و تا زمانیکه این مکانیزم جدید جز رومدهای خود را طی نکرده و کاملاً پیاده نشود آن تحول فکری هم شکل مشخص خود را بدست نخواهد آورد . در پروسه این انقلاب فکری دو حالت کاملاً متضاد مشاهده میگردد حالت اول قیام و جهش منطقی نسل نوظلب برای شکستن قطعی تمام قالب های کهنه ایست که در جهات مختلف زندگی و در تمام زمینه های حیات جامعه بسا سرسختی از کیفیت و کمیت ارتجاعی خود دفاع میکند و حالت دوم ذوق و شغف از بندرستگی است که بعلت عدم شعور و آمادگی کافی اغلب به انارشسیم در فکر و عمل میگراید و چون نمیتواند خود را با شرایط نوین هماهنگ کند به استقبال از فساد و تباهی میشتابد که ولگردی، آلودگیهای اخلاقی، بی بندباری تقلیدهای خانمانسوز و سایر مفاسد اجتماعی و اقتصادی از جمله آن بشمار میروند .

مثلاً دختر یا پسری که تحت کنترل شدید و حاکمیت مطلق خانواده خود میباشد بمحض آنکه شرایط داخلی خانوادگی آنها عوض میشود و امکان این بدست میآید که زنجیر های ارتجاعی و آزار دهنده را پاره کنند . آنچنان از خود بیخود میشوند و آنچنان برای استفاده از آزادی بدست آمده عجله و شتاب میکنند که يك باره رمیده و افسار گسیخته مغلوب مفاسد اجتماع میگرددند، اینها در اندک زمان به لشکر ولگردان معلق میشوند، و انواع و اقسام انحرافات اخلاقی و سیاسی را پیدا میکنند . آنها که محیط خود را نفرین میکنند و برای فرار از آن به وسیله ای مثبت و متوسل میگرددند در صورت توفیق عموماً برای جبران محرومیت های گذشته و برای گشودن عقده هائی که بمنزله گره های کور در وجود خود دارند میخواهند از تضادهای اجتماع ، از تبعیض های گوناگون و از مطالبی که بر آنها تحمیل شده است انتقام بگیرند و حال آنکه خود را فدای این انتقام میکنند قبل از آنکه لذت انتقام را بچشند ، در چنین وضعی تعقیب و مجازات درد اصلی را درمان نمیکند ، تعطیل اماکن فساد ، بازرسی

اتومبیل ها کنترل مدارك هويت وغيره در بهترين حالت خود فقط بصورت سدی است بر سر راه ولگردان و ولگردی ولي ریشه های فساد را خشك نمی کند ، اگر قرار بود غیر از این باشد تا حال میبایست این قبیل زخم های اجتماعی ما عمیقاً التیام پذیرفته باشند دستکاههای انتظامی کشور همیشه و در تمام موارد علیه مفاسد اجتماع و مقسدین مبارزه کرده اند اصولاً وظیفه آنها همین است اما تا زمانیکه به زیر بنا توجه نشود و عوامل فساد را همچنان از شرایط مساعد نضج و پرورش برخوردار باشند هرگز نباید انتظار داشت که مبارزه شروع شده علیه ولگردان به نتیجه قطعی و ثمر بخش برسد . یکی از امتیازات دوران انقلاب این است که جامعه در حال تحول و یا لاقط قشر پیش قراول آن حق پیدا میکند که نسبت به کلیه مسائل مطروحه قضاوت عینی و منطقی با واقعیات داشته باشد و از طرح قضایا بصورت معقول خودداری نکند اگر قرار باشد در دوران سازندگی انقلابی هم بهمان شیوه های زمان ارتجاع و عقب ماندگی سروریده و فقط برای خود گول زدن به قالب های توخالی قناعت کنیم کاری از پیش نخواهیم برد مبارزه علیه فساد و ولگردی را باید جدی گرفت یعنی بر اساس موازین انقلابی عصر حاضر به حل این مشکل اجتماعی پرداخت ، و این کاریست که از عهده هیأتی متشکل از روانشناسان ، جامعه شناسان ، اقتصاد دانان و متخصصان امور آموزشی ساخته است ، اگر دولت مبارزه علیه ولگردی و هرگونه مفاسد اخلاقی و اجتماعی را باین نحو آغاز کند نه خود را گول زده است و نه مردم را و در غیر اینصورت !!

پژوهش‌های مردم‌شناسی و مطالعات فرهنگی
 ژنرال جامع علوم انسانی